

۶ - نظارت دادگاهها بر موضوع استرداد با وجود قانون بیشتر شده و این خود بیشتر بنفع متهم است که تقاضای استرداد آن میشود.

#### نتیجه

از آنچه مذکور شد میتوان در خصوص استرداد باین نتیجه رسید که استرداد باید طوری انجام شود که در عین حال حاوی سه منظور باشد اول حفظ حیثیات و شئون دولت مورد تقاضای استرداد دوم رعایت و انجام تقاضای دولت تقاضا کننده و حفظ تزاکت بین المللی سوم رعایت حال و منافع متهم و یگانه وسیله ای که این منظور ها را ایجاد کند همان قانون کامل و روشن است که بعداً باید بوسیله معاهدات تکمیل و تعمیم یابد

دکتر عبدالله معظمی

تقاضا کننده را در حدود قانون موجود بعمل آورد و بالنتیجه از يك رشته سوء تفاهات سیاسی جلوگیری میشود

۳ - از طرفی وجود قانون استرداد در هر کشور قدمی است که بطرف وحدت قضائی بین المللی برداشته میشود و نتیجتاً وقتی در همه کشورها تعمیم یافت موضوع فرار مجرم منتفی شده و هر کس در هر جا مرتکب جرمی شود مطمئن است که بهر جا فرار کند از مجازات مصون نخواهد ماند.

۴ - وجود قانون مبنای مهمی برای معاهدات استرداد آتی خواهد بود .

۵ - در معاهدات استرداد از اصول محاکمه مربوط با استرداد یا اسمی برده نمی شود و یا در صورت ذکر هم باختصار میگردد و حال آنکه قانون کاملاً اصول محاکمه را پیش بینی میکند .

دنباله شماره ۱۲ سال سوم

از حقوق جزائی انگلستان

## شبروی Burglary

### ۳ - دخول

وقتی که یکی از اعضاء بدن شبرو وارد خانه محل وقوع جنایت میشود عنصر دخول بمنزل تحقق پیدا میکند بنابراین داخل شدن يك انگشت و یا حتی يك بند انگشت گناهکار بمنزله ورود در آن محسوب است .

در سال ۱۸۲۳ جواهر فروشی شکایت میکند ساعت شش بعد از ظهر روز دوم ژانویه موقعیکه مقابل دکان خود که قسمتی از خانه مسکونیش میباشد ایستاده بوده جوانی بفشار دست جام شیشه دکان او را برداشته و قسمت قوای انگشتان خود را بطرف داخلی محل جام شیشه میبرد که فوراً دستگیر شده است - موضوع از نظر آنکه و یا ورود بمنظور

قانون صورت گرفته است یا نه مورد وقت قرار گرفت بالاخره دادگاه عنصر ورود بمنزل پیش بینی شده در گناه شبروی را ثابت دانست .

اگر شبرو ابزاری را که در دست دارد وارد خانه بنماید ولو آنکه عضوی از اعضاء بدنش داخل خانه نشود ورود بمنزل صورت گرفته است بشرط آنکه ابزار نامبرده برای اتمام جنایت مورد نظر شبرو مورد استفاده قرار گیرد پس اگر شبرو سیخی را فقط برای سوراخ کردن درب وارد منزل نماید عمل او شکستن درب است نه ورود بمنزل اما اگر گناهکار سیخ مزبور را بقصد سرقت چیزی که در نزدیکی درب واقع و نظر او را جلب کرده است داخل خانه کند عمل او

#### ۴ - زمان وقوع جرم

در قانون قدیم جنایت شبروی در تمام ساعات شبانه روز ممکن بود انجام شود اما بموجب قانون بعدی شرط حتمی تحقق جنایت نامبرده وقوع آن در شب بود.

بدو اطلاق شب بزمان بین غروب آفتاب و طلوع آن می گردید.

بعداً معتقد شدند که اگر جنایت در موقعی صورت گیرد که در آن وقت بانور آفتاب صورت کسی قابل مشاهده باشد اطلاق شب بآن موقع نمیتوان نمود.

از این عقیده هم منحرف شده و شب را اطلاق بزمان از نه بعد از ظهر تا شش صبح نمودند (در این مورد مثل تمام مواردیکه در قانون تصریح خلاف آن نشده محل کربنویج برای تشخیص وقت مناط اعتبار خواهد بود).

برای تحقق گناه شبروی شکستن درب باید حتماً در موقع قانونی شبانه انجام گیرد و اگر شکستن درب مقدم بر دخول بمنزل صورت گیرد بایستی هر دو عمل در شب انجام شود بدون اینکه وقوع دو عمل نامبرده در یکشب ضروری باشد اما اگر ورود بمنزل مقدم بر شکستن درب انجام گرفته است شکستن درب برای خروج از منزل در موقع شب ضروری نمی باشد.

#### ۵ - قصد گناهکار

شبرو باید حتماً قصد ارتکاب جنایتی داشته باشد مثلاً ارتکاب قتل - زنا یا بجنف و یا سرقت که بیشتر در عمل مشاهده می شود.

برای تحقق گناه شبروی لازم نیست که جنایت مورد نظر شبرو انجام شود بلکه قصد او برای تحقق جرم کفایت می کند.

البته قصد ارتکاب جنایت برای مجرم باید موقعی که درب منزل را شکسته و وارد میشود موجود باشد نه وقتی که کسی بمنظور مشروعی وارد خانه شده است بخيال ارتکاب جنایت بیفتد بنا براین اگر کسی بطور غیر قانونی ولی با حسن

هم شکستن درب است و هم ورود بمنزل همینطور اگر شبرو رولوری را بپنجره خانه گذارد و بقصد ایجاد رخنه آتش دهد عمل او ورود بمنزل نیست اما اگر پس از شکستن پنجره رولور خود را بشکاف درب گذاشته و بخواهد بطرف یکی از ساکنین خانه تیراندازی کند عمل او ورود بمنزل تشخیص شده است.

بهترین طرز تشخیص ورود بمنزل بوسیله ابزار آتست که شبرو بتواند با وارد کردن ابزاری بمنزل منظور خود را از ورود بآنجا تأمین نماید.

در سال ۱۷۸۵ شخصی با اتهام ارتکاب شبروی با قصد سرقت مورد تعقیب قرار گرفت. ضمن بازجویی ثابت شد که متهم با ابزاری وسط درب نزدیک محل قفل و بست آن سوراخ کرده و حتی خورده های چوب که در اثر سوراخ کردن ریخته شده بود در آستانه درب مشاهده گردید اما معلوم نبود که غیر از نوك ابزار عضوی از بدن متهم و یا ابزار دیگری از رخنه ایجاد شده داخل منزل گردیده باشد و رخنه حاصله هم آنقدر وسیع نبود که حتی برای عبور دست کافی تشخیص شود - دادگاه عنصر شکستن درب را محقق میدانست ولی در اینکه آیا ورود بمنزل صورت گرفته است یا نه تردید داشت و خلاصه دفاع وکیل مدافع این بود که شك نیست اگر دست - یا و یا رولور بمحل ورود بخانه و یا قلاب و یا ابزار دیگری بمحل شکسته شده گذاشته شود ورود قانونی بمنزل صورت گرفته است اما شرط حتمی آتست که بدو اشکستن درب تحقق پیدا کرده و منزل مورد تهدید قرار گیرد و بعلاوه ابزاری مثل قلاب در مورد سرقت که بتوان با آن شیئی را از جای خود حرکت داد متعاقب عمل شکستن درب وارد خانه شده نه آنکه ابزار فقط بمنظور شکستن درب وارد خانه گردد - دادگاه عمل انتسابی را ورود بمنزل تشخیص نداد.

بنابراین فوق اگر چه در گناه شبروی شکستن درب و ورود بمنزل عناصر علیحده و متمایزی هستند ولی در عمل گاهی شکستن درب عنصر ورود به منزل را نیز همراه دارد.

سخت درب خانه را شکسته و داخل شود و بعد از دخول در خانه بدون قصد قبلی مرتکب جنایاتی شود بگناه شبروی قابل تعقیب نیست.

در سال ۱۶۶۵ نوزده نفر از مأمورین کشف جرائم بانها شکستن حرز و ورود بمنزل مورد تعقیب واقع گردیدند. خلاصه اتهام این بود که ورقه جلب چند نفر متهم یکی از مأمورین نام برده داده شده بود و مشارالیه با استحضار از محل اجتماع متهمین بکمک چند نفر مأمور دیگر بدون داشتن اجازه درب منزل محل اجتماع متهمین را شکسته و عده از آنها را دستگیر نمودند، در ضمن چند نفر از مأمورین از خانه مزبور یکمده ساعت دیواری و انیاء دیگری برخلاف میل و بدون اطلاع مافوقشان سرقت کردند اما گواهان نمیتوانستند اشخاص مرتکب را معرفی کنند - دادگاه چنین استدلال کرد که اگر چند نفر بقصد سرقت وارد خانه شده و بعضی از آنها مرتکب سرقت شوند کلیه متهمین بگناه مزبور قابل تعقیب هستند و اگر مأمورینی برای دستگیری متهمی درب منزلی را شکسته و پس از ورود بمنزل یکی از آنها مرتکب سرقت شود شخص او فقط سارق تشخیص میشود مگر وقتی که بقیه بارتکاب سرقت رضایت داده باشند اگر چه ورقه جلب متهمین کافی برای شکستن درب نبوده ولی عمل آنها از نظر آنکه منظورشان ارتکاب جنایت نبوده جنایت تشخیص و بنا براین متهمین را از گناه انتسابی تبرئه نموده و فقط آنها را متجاوز از وظیفه تشخیص داد.

شکستن درب منزل و ورود بآن بقصد ارتکاب گناه خلافی و یا جنحه شبروی تشخیص نمیدود مثلاً اگر کسی بقصد پیدا کردن پناه شبانه و یا ارتکاب زنا درب خانه را شکسته و وارد شود عمل او جرم نبود و یا ممکن است فقط شروع بجنحه تشخیص شود.

برای روشن شدن امر سه فقره از تصمیمات دادگاههای جزائی در این مورد ذکر میگردد:

۱ - در سال ۱۸۴۴ شخصی در شب خانه مسکونی غیرا شکسته و وارد شده بود ولی ثابت نگردید که آیا قصد

متهم از ورود بمنزل ارتکاب زنا و یا زنا ببعنف بوده است و بنا براین از نظر آنکه قصد ارتکاب جنایت متهم ثابت نگردید متهم از گناه شبروی تبرئه شد.

۲ - در سال ۱۷۷۰ مردی درب طویل را شکسته و در دست اسبی را که در آنجا بسته بود مجروح کرد و در نتیجه جراحت اسب مرد، کشتن اسب نیز در قانون انگلستان جنایت بشمار میرفت ولی چون ضمن بازجویی ثابت شد که متهم قصد کشتن اسب را نداشته و فقط بمنظور جلوگیری از شرک اسب مزبور در اسب دوانی خواسته بوده است او را لنگ کند و لنگ نمودن اسب نیز در آن موقع جنایت محسوب نمیشد دادگاه با استدلال باینکه متهم قصد ارتکاب جنایت (کشتن اسب) نداشته است او را بگناه شبروی قابل تعقیب ندانست.

۳ - در سال ۱۷۸۱ چند نفر بگناه شبروی مورد تعقیب واقع شدند. خلاصه اتهام این بود که مشارالیهم درب خانه را در شب شکسته و سرقت کرده بودند. در مراحل بازجویی معلوم شد که یکی از بازرسان هفده کیسه چای قاچاق کشف کرده و چای قاچاق را بمنزلی که از آنجا سرقت شده حمل نموده و متهمین بهمراهی صاحب مال قاچاق و یا بتجربک او درب خانه را شکسته و چای قاچاق را برده بودند، دادگاه با استدلال باینکه قصد متهمین در حقیقت رد مال قاچاق صاحبش بوده است نه سرقت آنها را بگناه انتسابی قابل تعقیب ندانست.

اگر شبرو جنایاتی در خانه مرتکب شود دلیل کافیست که گناهکار در موقع شکستن درب منزل و ورود بآنجا قصد بارتکاب جنایت نامبرده بوده است.

اگر شبرو پس از ورود بمنزل نوشابه موجوده در آنجا را بنوشد قرینه ایست که مجرم بقصد سرقت وارد منزل شد است. تشخیص اینکه آیا گناهکار قصد ارتکاب جنایت داشته یا نه باندازه مشکل و مؤثر است که مأمورین کشف جرائم و دادگاههای جزائی را وجداناً و قانوناً مکلف ب بررسی دقیق مینماید بین سهو و جنایت فرق زیادی است، اگر کسی در نتیجه مستی درب خانه را شکسته و بدون قصد ارتکاب جنایت بمنزل

وارد شود بگناه شبروی قابل تعقیب نیست .

در سال ۱۸۹۹ پس بچه درب منزلی را شکسته و وارد شده است . هیچکدام از اهل خانه در آنموقع آنجا نبوده اند و مشارالیه فقط بکوک کردن ساعات دیواری منزل اکتفا کرده و مراجعت نموده است - در این مورد اگر جوان بیگناه را در منزل دستگیر میکردند مشکل بود قصد خود را بمأمورین کشف جرائم بفهماند .

بموجب قانون مصوبه سال ۱۹۱۶ حداکثر مجازات شبروی حبس دائم بااعمال شاقه تعیین شده است ولی ممکنست مجرم بدو سال حبس یا کمتر نیز محکوم شود .

بموجب قانون نامبرده جرائم شبانه دیگری که ذیلا شرح داده میشود پیش بینی شده که اهمیت آنها کمتر از گناه شبروی بوده ولی بی شباهت بآن هم نیستند :

۱ - وارد شدن خانه مسکونی در شب بقصد ارتکاب جنایت بدون اینکه مجرم مرتکب شکستن درب شود جنایت تشخیص شده و مجازات آن هفت سال حبس با اعمال شاقه می باشد .

۲ - مشاهده شدن در ساختمانی در شب بقصد ارتکاب جنایت اگر چه گناهکار در روز آنجا رفته باشد جنحه تشخیص و مجازات آن پنج سال حبس با اعمال شاقه تعیین شده است ( ورود بمنزلی در روز بقصد ارتکاب جرم جنحه کوچک بوده و مرتکب بموجب قانون ولگردی سه ماه حبس محکوم میشود )

۳ - داشتن ابزار مخصوص شکستن حرز در شب بدون عذر قانونی جنحه تشخیص و مجازات مرتکب پنج سال حبس با اعمال شاقه معین شده است ( داشتن ابزار مخصوص شکستن حرز با قصد شکستن حرز در روز جنحه کوچک بوده و مرتکب به موجب قانون ولگردی سه ماه حبس محکوم می شود )

علاوه بر سه فقره گناه نامبرده گناه دیگری بنام « شکستن حرز » در قانون جزائی انگلستان پیش بینی شده که با جنایت شبروی از چند جهت شباهت کلی دارد .

شبروی گناه شبانه است

بموجب قانون عرفی اگر گناه شبروی بموض شب در روز انجام میشد جنحه ساده بیش نبود و بنام شکستن حرز شناخته میشد .

بموجب قوانین بعدی شکستن حرز جنایت تشخیص گردید .

همانطور که در گناه شبروی تذکر داده شد برای تحقق جنایت شکستن حرز نیز شکستن درب = ورود بمنزل بقصد ارتکاب جنایت ضروری میباشد .

شب روی و شکستن حرز از جهات ذیل متفاوت هستند :

د - ارتکاب گناه شکستن حرز محدود بساعات معینی نشده است ، در ادعای تنظیم شده علیه شبرو باید ذکر گردد که گناه انتسابی در شب انجام شده در صورتیکه گناه شکستن حرز هر گونه شرط مربوط بزمان را فاقد است .

۲ - گناه شکستن حرز مختص بانجام در خانه مسکونی نبوده و دکاکین و مخازن را نیز شامل است .

۳ - در گناه شکستن حرز بر حسب آنکه جنایت مورد نظر شکنده حرز انجام شود یا نه مجازات تغییر میکند در صورتیکه در گناه شبروی همانطوریکه گفته شد قصد ارتکاب جنایت برای تحقق آن کافیست .

بموجب قانون مصوبه ۱۹۱۶ اگر جنایت مورد نظر شکنده حرز انجام شود حداکثر مجازات مرتکب چهارده سال حبس بااعمال شاقه بوده و در صورت عدم انجام مرتکب بهفت سال حبس بااعمال شاقه محکوم میشود .

در هر دو صورت ممکن است مرتکب را بدو سال حبس بااعمال شاقه یا بدون آن محکوم نمود

۴ - در گناه شکستن حرز در صورت انجام جنایت مورد نظر مجرم شکستن درب برای خروج عنصر شکستن درب را بوجود میآورد و در صورت عدم انجام جنایت شکستن درب برای خروج و برای تحقق عنصر شکستن درب کافی نمیباشد ولی در گناه شبروی در هر دو مورد شکستن درب

انجام نشود مرتکب برای همان اندازه عملی که کرده است بهفت سال حبس با اعمال شاقه محکوم میگردد - در هر صورت ممکن است دو سال حبس با اعمال شاقه یا بدون آن برای سزای مرتکب تعیین شود.

خاتمه مذکور میشود که بی اهمیت بودن عملی را که شبرو و یا شکننده حرز مرتکب شده است نباید شبیه در تشخیص گناه ایجاد نماید - در سال ۱۸۰۱ پسریچه سیزده ساله با وجود آنکه سه نفر رفتار نیک او را گواهی دادند بگناه آنکه بعد از طلوع آفتاب ولی قبل از بسته شدن دکان کین شیشه دکانی را شکسته و از جای شکسته شده یک عدد قاشق سرقت کرده بود با عدم محکوم گردید

پایان محمود ولی زاده انصاری

تحقق پیدا کرده است ، سابقاً دیدیم چه تعبیری در قانون عرفی از کلیسا ها معده بود .

بعدها مقررات خاصی مربوط بکلیسا در قانون پیش بینی نگردید که از جهات ذیل تفاوت کلی با مقررات سابق داشت:

۱ - ساعت ارتکاب گناه مناط تحقق آن نبود .  
۲ - شامل کلیسای تنها نبوده و اطلاق بکلیه اماکن مقدسه گردید .

بموجب قانون مصوبه ۱۹۱۶ هر کس در مکان مقدس توبه شکسته و وارد شود و در آنجا مرتکب جنایتی گردد و یا وارد شده و پس از ارتکاب جنایت در بی او بشکند بحبس دائم یا اعمال شاقه محکوم میگردد و اگر جنایت مورد نظر مجرم

دنباله شماره ۳ سال سوم

## اعاده حیثیت در ایران

صرفاً اعاده حیثیت را خواسته اند امر اداری جلوه داده و استناد و ملاک آنهم مرور زمان است در صورتیکه ما در مورد سراغ داریم که اعاده حیثیت غیر از مرور زمان از موارد دیگر هم استفاده برده و امر را بسوی قضاوت و حکومت رهبری میکنند :

۱- مورد اشتباه

۲ - مورد پیدا شدن داد نامه یا اوراق و اسناد جدیدی که برای اثبات عدم وقوع گناه مؤثر بوده است .

الف - مورد اشتباه

بسا اتفاق می افتد که در اثر اشتباه محاکمه یا سوء جریان آن یا اعتراف بی موضوعی که منتهی در مراجع صلاحیت دار کرده و در همه جا اظهارات فوق مؤثر واقع و منتفی بصدور دادنامه شده است . بعد از قطعیت آن ،

مادر شماره یکصد مجموعه حقوقی موضوع و تاریخچه اعاده حیثیت در ایران را توضیح داده و بطور خلاصه تشریح کردیم ضمناً حکم شماره ۹۵۳۸-۱۲۵۱ مورخه ۱۶/۵/۳۱ دیوان عالی کشور که با استناد ماده ۵۷ از قانون مجازات عمومی صادر شده و اعاده حیثیت را صرفاً امر اداری دانسته اند ذکر کردیم اینک ببینیم این نظریه در همه موارد صادق است و همه وقت قضاة با استناد آن میتوانند سرپیچی در اظهار نظر قضائی کنند یا نه ؟ و بالاخره آبار اف تمام احتیاجات و مراجعات این قسم امور خواهد بود ؟ قطعاً پاسخ منفی است .

ما در مقالات اعاده حیثیت بیان نمودیم که اعاده حیثیت هم امر اداری است و هم قضائی و خلاصه مواردی موجود است که اعاده حیثیت خود بخود حاصل نمیشود .

از حکم دیوان عالی کشور چنین مستفاد میشود که